

آزمونک درس دو دوازدهم



ردیف	سوالات	بارم
۱	با در نظر گرفتن بیت «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: کار شرع کار درهم و دینار نیست» کدام گزینه در مورد «دینار» درست نیست؟ الف) در این بیت در معنای «سکه طلا» به کار رفته است. ب) با واژه «درهم» رابطه تناسب دارد. ج) وزن و ارزش دینار در دوره ها و مناطق مختلف، متفاوت بوده است. د) واحد پول است.	۰/۲۵
۲	در هریک از بیت های آمده، یک نادرستی املائی وجود دارد، شکل درست هریک را بنویسید. الف) گفت مست: ای محتسب بگزار و رو از برهنه کی توان بردن گرو ب) از پای تا سرت همه نور خدا شود در راه زوال جلال چوبی پا و سرشوی	۰/۵
۳	در بیت زیر چند نقش دستوری «مسند» دیده می شود؟ گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می روی گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»	۰/۲۵
۴	در بیت زیر کدام نوع از فعل دیده نمی شود؟ «گفت از بهر غرامت جامه ات بیرون کنم / گفت پوشیده است جز نقشی ز پود و تار نیست» الف) مضارع اخباری ب) ماضی ساده ج) مضارع التزامی د) ماضی نقلی	۰/۲۵
۵	تفاوت معنایی فعل های مشخص شده را در مصراع های زیر بررسی کنید. الف) گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم. ب) ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی.	۰/۵
۶	به پرسش های زیر، پاسخ کوتاه دهید. الف) در بیت گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان» / گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست» آرایه «مجاز» هست یا «ایهام»؟ ب) عبارت «گر بدین حال تو را محتسب اندر بازار ببیند، بگیرد و حد زند.» آرایه «جناس» دارد یا «سجع»؟ ج) در بیت «در مکتب حقایق پیش ادیب عشق / هان ای پسر بکوش که روزی پدرشوی» کلمه «پدر» استعاره است یا تلمیح؟	۰/۷۵

پاسخنامه سؤالات

۱- گزینه «الف» در این بیت، مطلق پول منظور است نه دقیقاً «سکه طلا»..

۲- الف: بگذار (رهاکن) ب: ذوالجلال

۳- سه مسند (مست، جرم، هموار)

مست هستی؛ این، جرم راه رفتن نیست، ره هموار نمی باشد

۴- گزینه «د» زمان فعل های بیت: گفت ماضی ساده، کنم= بکنم: مضارع التزامی، است (= می باشد): مضارع اخباری، نیست (= نمی باشد): مضارع اخباری

توجه: در اینجا «پوشیده» مسند است و نباید آن را با فعل «پوشیده است» در ماضی نقلی اشتباه گرفت

۵- الف: غیر اسنادی در معنای «برویم»

ب: اسنادی: [تو] صاحب خبر شوی = بگردی

مسند

۶- الف: مجاز (درهم و دینار هر دو مجاز از رشوه، پول)

ب: سجع («ببیند، بگیرد، حد زنده» در حرف آخر هماهنگی دارند) ج: استعاره (استعاره از عارف کامل)

ردیف	سوالات	بارم
۷	آرایه مشترک دو بیت زیر (استعاره - مجاز) است. ■ بگفتا دل از مهرش کی کنی پاک؟ بگفت آن گه که باشم خفته در ■ به یاران گفت کز خاکی و آبی خاک ندیدم کس بدین حاضر جوابی	۰/۲۵
۸	آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. گفت آگه نیستی کز سر در افتاد ت کلاه / گفت: در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست» (کنایه - حس آمیزی)	۰/۲۵
۹	شعر مست و هشیار در چه قالبی سروده شده است؟	۰/۲۵
۱۰	موارد زیر را به نثر روان معنا نمایید؟ الف) گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را» ب) مست گفت: «ای دوست، این پیراهن است. افسار نیست» ج) گفت: «می بسیار خوردی، زان چنین بیخود شدی» گفت: «ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست»	۰/۷۵
۱۱	شاعر در بیت زیر، راه و شرط ارزشمندی وجود را چه می داند؟ «دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیایی و زرشوی»	۰/۲۵
۱۲	حافظ در بیت «مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس / توبه فرمایان چرا خود توبه کم ترمی کنند» از چگونه رفتاری انتقاد می کند؟	۰/۲۵
۱۳	مصراع زیر به کدام پدیده اجتماعی اشاره دارد؟ گفت رو صبح آی قاضی نیمه شب بیدار نیست الف) عدم توجه به وقت و زمان شکایت ب) غفلت زدگی قاضی	۰/۲۵
۱۴	در بیت «گفت آگه نیستی کز سر در افتاد ت کلاه / گفت در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست» بر چه موضوعی تأکید شده است؟	۰/۲۵

پاسخنامه سؤالات

۷- مجاز (در بیت اول «خاک» مجاز از قبر و در بیت دوم «خاکی و آبی» مجاز از همه انسان ها که از خاک و آب خلق شده اند).

۸- کنایه، در این بیت عبارت «از سر افتادن کلاه» کنایه از بی آبرو و بی اعتبار شدن است

۹- قطعه (زیرا مصراع های زوج هم قافیه و ردیف هستند).

۱۰- الف) محتسب گفت: باید فرد هوشیار، فرد مست را مجازات کند

ب) مست گفت: ای دوست! این که در دست توست، پیراهن است و افسار نیست (با من درست رفتار کن)

ج) محتسب گفت: آن قدر شراب بسیار خوردی که این گونه مست و از خود بی خود شدی. مست پاسخ داد: ای فرد بیهوده گو! بحث کم و زیاد خوردن شراب نیست. (نفس خوردن شراب، هر کس را مست می کند).

۱۱- کنار گذاشتن خواسته های مادی و رسیدن به عشق، شرط ارزشمندی وجود دانسته شده است

۱۲- ریاکاری / تظاهر / یکی نبودن حرف و عمل

۱۳- گزینه «ب» (بیدار نبودن قاضی اشاره به غفلت زدگی او دارد).

۱۴- عقل و خرد مهم تر از حفظ ظاهر و رعایت آن است